



مطالعه تطبیقی مصادیق شروط ناعادلانه در نظام حقوقی ایران و انگلستان

پری خالدی^۱
حسین جلالی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

چکیده

منظور از شروط ناعادلانه شروطی هستند که یکی از متعاقبین با سوء استفاده از وضعیت اقتصادی، اجتماعی یا تخصص خویش به طرف دیگر تحمیل می‌کند. با توجه به حکومت اصل آزادی اراده قانون گذار در راستای حل مشکلات ناشی از پذیرش مطلق این اصل، در قوانین خاص و به معاذیر مختلف ورود پیدا کرده است. محاکم نیز با تأسی از قاعده‌ی انصاف به برخورد با این دسته از شروط ناعادلانه پرداخته و مواضعی چون بطلان تمام یا بخشی از قرارداد یا تعدیل آن را برگزیده‌اند. هدف این پژوهش بررسی مصادیق این شروط و راه کار نظام حقوقی ایران و انگلستان در مقابله با این شروط است. از جمله مصادیق شروط غیر منصفانه شرط عدم مسئولیت، شرط وجه التزام و قراردادهای الحاقی و استاندارداست. مهم ترین منابع قانونی شروط ناعادلانه در حقوق ایران علاوه بر قانون عام (قانون مدنی) قوانین خاصی چون قانون دریایی، قانون کار، قانون تجارت الکترونیکی و قانون حمایت از مصرف کنندگان خودروست. در انگلستان کنترل قانونی شروط قراردادی ناعادلانه توسط مقنن و واگذاری ارزیابی این شروط به محاکم دو روش نظارتی به شمار می‌آید که در حقوق ایران این روش‌ها به جز در قوانین خاص و به صورت استثنایی مورد پذیرش قرار نگرفته است.

واژگان کلیدی: شروط ناعادلانه، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی انگلستان.

مقدمه

^۱ استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. (نویسنده مسئول): pari.khaledi@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران. jalali.hosein.53@gmail.com

روابط ناعادلانه که از شروط ضمن عقد است محصول انقلاب صنعتی و تبعات و آثار آن، از جمله نابرابری اقتصادی و اجتماعی بین طرفین معامله است. در نظام حقوقی ما نیز فقدان اطلاعات و ضعف موضع طرف ضعیف مانند مستأجر، کارگر یا مصرف‌کننده، زمینه‌ی تحمیل شروط ناعادلانه را فراهم آورده است.

پذیرش اصل آزادی قراردادهای به موجب ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی ۱۳۰۷ و عدم تجویز ورود محاکم در وجه التزامها یا شروط کیفی قراردادی به موجب ماده‌ی ۲۳۰ از همان قانون را می‌توان از نمونه‌های شاخص آزادی قراردادهای در قانون مدنی دانست. اگرچه قانون‌گذار در همین دوره بر ضرورت مداخله و ایجاد موانعی در حاکمیت مطلق اراده‌ها نیز به فراخور آن زمان واقف بوده و به موجب ماده‌ی ۹۷۵ قانون مدنی با اعلام ضرورت تطابق توافقات طرفین، با نظم عمومی و اخلاق حسنه، از ورود افراطی این اصل در نظام حقوقی ایران جلوگیری نموده است.

با پیچیده شدن روابط به دنبال پیشرفت صنعت و اقتضائات خاص آن، به جهت تحمیل تعهدات گزاف که ناشی از نابرابری قدرت اقتصادی، اجتماعی و یا چانه‌زنی طرفین بوده، اصل ضرورت مداخله‌ی حکومت در قراردادهای خصوصی پیش از پیش احساس می‌شده است. وضع قانون روابط موجر مستأجر، به سال‌های ۱۳۵۶، ۱۳۶۲ و ۱۳۷۶ و قانون کار سال ۱۳۶۹ که ناظر بر روابط بین کارگر با پیمانکار یا کارفرما می‌باشد، مواردی از این دسته مداخلات حکومتی است.

ملاحظه می‌شود که برخلاف آن چه در بادی امر از بکر بودن مواضع قانونی ایران در قبال شروط ناعادلانه تصور می‌شده است می‌توان به مصادیقی اگر چه محدود و خاص، از شناسایی شروط ناعادلانه و تقبل با آن توسط مقنن اشاره داشت؛ موضوعی که بنا به تفسیر اراده‌ی قانون‌گذار به قدر متقین، دلالت بر پذیرش ضرورت بررسی مصایقی از تعهدات دارد که به صورت ناعادلانه‌ای بر اشخاص تحمیل می‌شود. در خصوص مقابله با شروط ناعادلانه در حقوق انگلیس، علاوه بر مقررات صریح و جامع، از سال ۱۹۶۲ کمیته‌ای تحت عنوان کمیته‌ی حمایت از حقوق مصرف‌کننده به کنترل شروط ناعادلانه می‌پردازد. در حالی که مصرف‌کننده‌ی ایرانی فقط در چارچوب قوانین خاص و با اثبات ناعادلانه بودن شروط، می‌تواند بطلان شروط را آن هم فقط از محاکم خواستار شود.

در این پژوهش سعی بر آن است که مصادیق شروط ناعادلانه در نظام حقوقی ایران و انگلستان و وضعیت حقوقی این شروط و راه‌حل‌های مقابله با آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

در نظام حقوقی ما صراحتاً شروط ناعادلانه مورد شناسایی قرار نگرفته اما با استقراء در قوانین ایران نمونه‌هایی از عقود یا شروط ضمن عقود را خواهیم یافت که از مفاهیم عدالت و توازن در حقوق و تکالیف طرفین معامله به دور است، برخی از این شروط توسط قانون گذار معتبر شناخته شده و گروهی نیز نامعتبر هستند که در این گفتار به ترتیب به این دو دسته از شروط پرداخته خواهد شد. البته قراردادهایی هستند که ما ممکن است به صورت روزمره با آن‌ها سر و کار داشته باشیم و آن‌ها را معتبر بدانیم در حالی که تحت شرایط خاصی امکان اثبات بی اعتباری آن‌ها وجود داشته باشد. برای مثال قراردادهای وام و اعتبار که در بانک با عجله و ناخوانده امضاء می‌کنیم و پر از شروطی است به نفع بانک و به ضرر مشتری. یا بیمارستان‌هایی که قراردادهای بستری و درمان را به نفع خود می‌نویسند و بیمار فرصت چانه زنی برای تحصیل شرایط بهتر را ندارد. (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۸)

۱-۱ شروط ناعادلانه‌ی معتبر

در حقوق ایران مقررات مدونی که ناظر بر شروط غیرمنصفانه باشد وضع نگردیده اگرچه در سال ۱۳۸۵ از سوی اداره کل طرح و ولوایح ریاست جمهوری اسلامی ایران، پیش نویسی با عنوان "تصویب نامه‌ی مبارزه با قراردادهای اجحاف‌آمیز" جهت تهیه‌ی لایحه و تقدیم به مجلس به منظور تصویب قانون تهیه گردید، ولی هرگز این پیش‌نویس مقدمات قانون‌گذاری را طی ننموده و در نتیجه در قالب همان پیش‌نویس باقی ماند.

با استقراء در قوانین ایران نمونه‌هایی از عقود یا شروط ضمن عقود را خواهیم یافت که نه تنها در نفس خود از مفاهیم عدالت و توازن در حقوق و تکالیف طرفین معامله به دور است، بلکه از سوی قانون گذار مورد شناسایی قرار گرفته و معتبر دانسته شده است.

نمونه‌هایی از این شروط را در قواعد عمومی قراردادها می‌توان دید مانند شروط جمعی از قبیل تصمیمات مجامع عمومی شرکت‌ها، شروط تحمیلی مانند قراردادهای بیمه‌ای که مسؤلیت دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی را به جهت افزایش برای دیه‌ی کامل انسان، افزایش داده، شروطی که آثار آن در اختیار طرفین نیست. مانند عدم تراضی بر مهر معین و مستحق شدن زوجه بر مهرالمثل، شروط الحاقی مانند بیمه‌های آتش‌سوزی که حق مراجعه‌ی بدوی به محاکم در فرض حدوث اختلاف از طرفین سلب می‌گردد.

همچنین در قوانین و مقررات خاص مانند قانون مسؤلیت مدنی در خصوص تعهد کار فرمایان به بیمه‌ی کارگران خود، (ماده ۱۲ و ۱۳) قانون اجرای احکام مدنی در خصوص فروش مال مورد

مزایده در صورت نداشتن خریدار (ماده ۱۳۱) و قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مسؤلیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷ که در ماده‌ی یک کلیه‌ی دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی را مکلف به بیمه این وسایل در قبال خسارات بدنی و مالی ناشی از حوادث این وسایل نموده است. دلیل اعتبار این شروط حفظ نظم عمومی و احترام به اصل حاکمیت اراده است.

۲-۱ شروط ناعادلانه‌ی نامعتبر در حقوق و فقه

این شروط ضمن مباحث آتی در قوانین و مقررات، رویه قضایی و فقه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱-۱ شروط ناعادلانه نامعتبر در مقررات ایران

قانون گذار ایرانی در مقابل دسته‌ای از شروط یا عقود که به صورت ناعادلانه و تحمیلی بر یک طرف قرارداد تحمیل می‌شوند عکس‌العمل نشان داده و حکم به بی‌اعتباری تمام یا قسمتی از این تعهدات ناعادلانه نموده است.

۱-۲-۱ قانون مدنی

می‌دانیم که خیارغبین به جهت وجود اختلاف فاحش قیمت مرضی الطرفین در قرارداد با قیمت واقعی مورد معامله، به مغبون اختیار فسخ عقد را می‌دهد از سوی دیگر به موجب ماده‌ی ۴۴۸ قانون مدنی سقوط تمام یا بعضی از خيارات را می‌توان ضمن عقد شرط نمود. در خصوص شرط اسقاط کلیه‌ی خيارات، یک نظر معتقد است قانون مدنی، غبن در معامله را از مسائل مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نمی‌داند و تنها به رفع زیان خصوصی طرف قرارداد می‌پردازد و به همین جهت به او حق فسخ می‌دهد. پس دو طرف می‌توانند خیار غبن را ساقط نمایند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۵۲) اما نظر مقابل این است که پذیرش امکان اسقاط خیار غبن در معاملات اقتصادی باعث به هم‌ریختگی انسجام معاملاتی می‌گردد از همین روست که بقای خیارغبین نیز مورد تصریح قانونی قرار گرفته است (ماده‌ی ۴۲۱ قانون مدنی).

عدم تجویز امکان اسقاط خیار غبن در تمامی مصادیق آن منجر خواهد شد تا سوداگران مسامحه در عقود نکنند و طرف را به حفره‌ی غبن نیندازند. مماشات با این افراد، ایراد وهن در نظام معاملات است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۴۲۱) حتی معتقدین نظر اول نیز بر این امر اتفاق

دارند که اگر مغبون با این تصور که تفاوت قیمت در حدود غبن متعارف است و سپس خیار را اسقاط کند، غبن فاحش ساقط نمی‌شود. تحمیل آثار تراضی بر اسقاط خیارات در قراردادها به ویژه در مواردی که مرتبط با نظم عمومی معاملاتی و یا اقتصاد جامعه باشد، بر مشروط‌علیه امری خلاف عدالت و کارایی اقتصادی قراردادهاست. از این رو می‌بایست خیار غبن را از استثنائات موضوعی ماده‌ی ۴۴۸ قانون مدنی دانست. معذک احکام ویژه خیار غبن و اوصاف خاص آن مانع از آن است تا بتوان قائل بر آن شد که این احکام برای مقابله با شروط غیرمنصفانه کافی است. (عادل و شمس الهی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۱)

۱-۲-۲ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳ و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۹۱

شاید بتوان شاخص‌ترین مورد در حقوق ایران که قانون‌گذار به طور صریح شرطی را ناعادلانه تعریف نمود و حکم چنین شروطی را نیز اعلام داشته است به قانون دریایی سال ۱۳۴۳ که در سال ۱۳۸۶ با اصلاحاتی همراه شد، اشاره کرد. البته ضمانت اجرای به کارگرفته شده توسط قانون‌گذار در این قانون واحد نبوده و در جایی از بطلان و بلااثر بودن چنین شروطی حکم رانده است و در موردی دیگر امکان تعدیل قضایی آن را در کنار ضمانت اجرای بطلان مورد پذیرش قرار داده است.

- در بند هشتم ماده‌ی ۵۴ این قانون مقرر شده: "هرگونه شرط یا توافق در قرارداد باربری به منظور سلب مسئولیت متصدی باربری یا کشتی یا محدود کردن مسئولیت مزبور در مورد فقدان بار یا خسارت وارده به آن ناشی از غفلت یا تقصیر و یا تسامح در انجام وظایف و تعهدات مصرحه در این فصل باطل و بلااثر خواهد بود"

- در ماده‌ی ۱۶۸ این قانون مقرر گردیده: "در صورتی که قبل از وقوع حادثه‌ی موجود خسارت در قرارداد، شروطی به منظور مبری ساختن متصدی حمل در مقابل مسافر (نماینده‌ی او، وارث و یا اشخاصی که تحت تکفل او هستند) شده باشد. و یا در موردی تحدید مسئولیت مبلغی کمتر از آن چه در این فصل ذکر گردید تعیین شود و یا در موردی که اثبات امر به عهده‌ی متصدی حمل باشد تغییری داده شود و یا آن که شرط شود اختلاف به داوری یا دادگاه مخصوص ارجاع گردد شرایط مذکور باطل است...."

در این جا قانون‌گذار در مورد حمایت از مسافر یا مالک کالایی است که از یک سو به جهت نوع خدمات ارائه شده و عمومیت آن از جانب متصدی، ناگزیر به توافق با وی می‌باشد و از سویی دیگر با توجه به عدم وجود موضع برابر طرفین قرارداد و محدود بودن اشخاص ارائه‌کننده‌ی چنین

خدماتی، امکان چانه زنی در قرارداد و تغییر یا تعدیل مفاد آن نیز از جانب مسافر یا مالک وجود ندارد.

- در ماده‌ی ۱۷۹ این قانون نیز مقرر گردیده است: هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تأثیر آن مفقود شده باشد و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله‌ی دادگاه باطل و یا تغییر داده شود.
- در تحلیل ماده فوق در می‌یابیم که برای دخالت دادگاه در قرارداد نجات دریایی لازم است قرارداد غیر عادلانه تشخیص داده شود؛ چنین تشخیصی منوط بر آن است که اولاً قرارداد حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده باشد. ثانیاً، رضایت یکی از طرفین در نتیجه خدعه و یا اغفال جلب شده باشد. ثالثاً، عدم تعادل عوضین قرارداد گزاف باشد و رابعاً این شرایط از سوی دادگاه احراز شود. (سارویی نسب و کاظم پور، ۱۳۹۰، ص ۶۸)

۱-۲-۳ قانون کار مصوب ۱۳۶۹

وجود اختلاف در مواضع چانه زنی و اقتصادی طرفین قرارداد، افزایش تعداد نیروی کار و کاهش مجاری پذیرنده، تخصصی شدن قراردادهای ویژه قراردادهای مختصر به تکنولوژی و صنعت مدرن، ظهور نیروی کار ارزان قیمت و... قانون گذار را بر آن داشته تا باری دیگر در معاملات خصوصی اشخاص وارد شده و قواعد آمره‌ای را با توجیه ایجاد تعادل در قرارداد کار و حمایت از قشر غالباً ضعیف‌تر کارگر وضع نماید.

- در این خصوص ماده ۸ قانون کار مقرر می‌دارد: شروط مذکور در قرارداد کار یا تغییرات بعدی آن در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور ننماید. منظور از کلمه‌ی عدم نفوذ مفهومی در مقابل صحت قرارداد است و در واقع موضعی مشابه با مواضع قانون دریایی اتخاذ گردیده است.

۱-۲-۴ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲

این قانون در بردارنده‌ی قواعدی است که برای مبادله‌ی آسان و ایمن اطلاعات در واسطه‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستم ارتباطی جدید به کار می‌رود. از طرفی با توجه به محدود نبودن موضوعات این قانون به داخل کشور، قانون گذار سعی داشته در چگونگی تفسیر این قواعد به دو خصیصه‌ی بین‌المللی و ضرورت توسعه‌ی هماهنگ بین کشورها و حسن نیت اشاره نماید. ماده‌ی

۳ قانون تجارت الكترونيك مقرر مى‌دارد: در تفسير اين قانون هميشه بايد به خصوصيت بين‌المللى، ضرورت توسعه‌ى هماهنگ بين كشورها درك‌آورد آن و رعايت لزوم حسن نيت توجه كرد. با وجود اعتبارى كه در ماده‌ى ۵ اين قانون در خصوص قراردادهای خصوصى مؤثر گردید. قانون نتوانسته است موضوع حمايتى خود از مصرف‌كننده را نمايان نسازد. به همين جهت در ماده‌ى ۴۶ اين قانون مورد داشته است: استفاده از شروط قراردادى خلاف مقررات اين قانون و همچنين اعمال شروط غير منصفانه به ضرر مصرف‌كننده مؤثر نيست.

ملاحظه مى‌شود كه براى اولين بار مقنن در خصوص شروط ناعادلانه يا غير منصفانه از ضمانت اجراى بطلان نسبي كه همان عدم تأثير شرط به ضرر يك طرف معامله است، استفاده کرده كه اين خود نه تنها مؤيد حداكثر تلاش قانون‌گذار در صحيح دانستن قراردادهای خصوصى است بلكه مانع تحميل تبعات ناروا و به دور از انصاف به مصرف‌كننده خواهد بود. بدین صورت كه در صورت تقاضای ذينفع دادگاه قرارداد را از ابتدا باطل و بلااثر اعلام مى‌كند. (تقى زاده و احمدى، ۱۳۹۴، ص ۲۶)

موضع قانون‌گذار در خصوص قرارداد (بطلان نسبي) صورت معتدل‌ترى از مواضع گذشته (بطلان مطلق) است كه نه تنها نافی تعادل عمومى اقتصادى نمى‌باشد، بلكه حداكثر تلاش را در جهت اعتباربخشى به قراردادهای خصوصى انجام داده است.

۱-۲-۵ قانون حمايت از مصرف‌كنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶

از آن جا كه نياز به خودرو به عنوان يكي از نيازهای عمومى جامعه قلمداد مى‌شود و در كشور ما ارائه‌ى خدمات توليد و عرضه آن كماكان به صورت انحصارى و محدود در اختيار اشخاص خاص قرار دارد، طبيعى است كه مصرف‌كننده يا حتى واسطه‌های فروش، توان كافي جهت چانه‌زنى در قراردادهای غالباً از پيش تهيه شده و يا تغيير و تعديل مفاد آن را ندارد. لذا مقنن به افزايش تعهدات و تضمينات فروشندگان يا عرضه‌كنندگان خودرو از يك طرف و از طرف ديگر تسهيل شرايط دريافت خودرو و رفع عيوب احتمالى آن و تعريف دوره‌های گارانتى و ساير مصاديق حمايتى پرداخته است.

به طور طبيعى، منطقى و معقول به نظر نخواهد رسيد كه هر گونه توافقى به خلاف مدلول اين قانون از جانب مقنن مردود دانسته نشود. چنان كه در ماده‌ى ۷ و تبصره‌ى ذيل آن در اين قانون آمده است: "هر نوع توافق مستقيم يا غيرمستقيم بين عرضه‌كننده، واسطه‌ى فروش با مصرف‌كننده كه به موجب آن تمام يا بخشى از تعهداتى كه عرضه‌كننده برطبق اين قانون و يا ضمانت

صادره بر عهده دارد ساقط نماید یا به عهده وی واسطه‌ی فروش یا هر عنوان دیگری گذارده شود، در برابر مصرف‌کننده باطل و بلا اثر می‌باشد."

در توضیح این مقررہ بایستی بیان داشت که ضمانت اجرای شروط سالب مسئولیت یا انتقال دهنده‌ی مسئولیت مانند قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ بطلان نسبی در برابر مصرف‌کننده است. در واقع از جمع مدلول ماده‌ی ۷ این قانون و تبصره‌های ذیل آن چنین برداشت می‌شود که قصد مقنن بر این بوده که نه تنها شروط معهود و مرضی الطرفینی که به خلاف مفاد این قانون است نسبت به مصرف‌کننده باطل و بلا اثراند بلکه منصرف از ماهیت قرارداد، مبطل قرارداد در بردارنده‌ی شرط مذکور نیز می‌باشند.

۲-۲-۲ شروط ناعادلانه نامعتبر در رویه قضایی

بررسی قوانین ایران نشان می‌دهد تنها در دو مورد قانون گذار ارزیابی و کنترل شروط ناعادلانه را به محاکم واگذار کرده است. مورد اول ماده ۱۷۹ قانون دریایی است جایی که مقنن اعلام می‌کند "هر قرارداد کمک نجات که حین خطر و تحت تأثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیرعادلانه است...." ضمانت اجرای درج چنین شرطی در قرارداد یا بطلان کل قرارداد است یا تفسیر آن اعلام شده است. (کانوزیان، ۱۳۸۶، ص ۵۱۲) به گونه‌ای مشابه در ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک از اصلاح شروط غیر منصفانه استفاده شده و اشعار داشته استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف‌کننده موثر نیست. در این ماده قانون گذار به صراحت به اختیار دادرس در منصفانه یا غیر منصفانه دانستن شرط اشاره نداشته لیکن از آن جا که شروط مذکور توسط خود قانون گذار به صراحت تعیین نشده لذا به نظر می‌رسد که تنها محکمه است که اختیار تشخیص ناعادلانه بودن را ضمن رسیدگی قضایی برخوردار است. (نبی‌زاده کبری، ۱۳۹۶، ص ۱۷۶)

بیشترین آرای که حاکی از دخالت دادگاه‌ها در خصوص شروط ناعادلانه می‌باشد مربوط به شرط التزام گزاف در قراردادهاست که به دو نمونه آن ذیلا اشاره می‌گردد:

- رأی ذیل طی دادنامه شماره ۴۹-۵۰-۸۷ مورخ ۸۷/۱/۲۶ از شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان فارس صادر یافته و شرط وجه التزام به استناد ناعادلانه بودن باطل اعلام شده: "تجدیدنظرخواهی ... با وکالت نسبت به دادنامه شماره ۶۳۹-۸۴/۹/۱۰ شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی مرودشت که بر محکومیت تجدیدنظرخواه به پرداخت مبلغ چهارصد و چهل و پنج میلیون ریال بابت وجه التزام مندرج در قرارداد اجاره ۸۲/۷/۲۷

صادر شده است و می‌باشد. زیرا وجه التزام تعیین شده در قرارداد بیش از دو برابر مبلغ اجاره بهای مقرر بین تجدیدنظرخواه و تجدیدنظرخوانده است و چون وجه التزام عملاً جایگزین تعهد اصلی می‌گردد، تعیین چنین وجه التزام گزافی بر خلاف عدالت معاوضی بوده و در حقیقت چهره جبران خسارت ندارد بلکه به نظر دادگاه دارا شدن غیر عادلانه است که مورد تأیید قانون نمی‌باشد لذا دادگاه با پذیرش تجدیدنظرخواهی به استناد ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظر خواسته را در قسمت مورد اعتراض نقض و مستند به قاعده لاضرر حکم به بی‌حقی خواهان بدوی صادر و اعلام می‌گردد." (حاتمی و صادقی، ۱۳۹۱، ص ۸۱)

– رأی شعبه ۳ دادگاه عمومی شهرستان ماکو به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۴۴۵۶۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۱ در این رأی مقرر می‌دارد: "هرچند در خصوص وجه التزام ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر داشته ولی نظر به این که تعیین ماهیانه ده میلیون تومان با لحاظ مفاد قرارداد و ملاحظه نظریه تکمیلی کارشناسی، بسیار گزاف و خلاف انصاف و عدالت معاوضی و غیر عادلانه به نظر می‌رسد. دادگاه مستفاد از حکم کلی منعکس در مواد ۲۲۷ و ۶۵۲ قانون مدنی که قائل به تعدیل تعهدات قراردادی توسط دادگاه گردیده و قواعد فقهی عسر و حرج و لاضرر و ملاک ماده ۱۵۰ قانون دریایی با تعدیل و تقلیل وجه التزام از ده میلیون تومان به پنج میلیون تومان دعوی خواهان تا این میزان وارد و نسبت به الباقی، حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌گردد...." (سهرابی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷۰۷)

۳-۲-۲ شروط نااعلانه نامعتبر در فقه

سابقه اعمال محدودیت بر آزادی قراردادی در فقه و ضرورت اعمال عدالت قراردادی نشان از عدم منافات کنترل غیر منصفانگی قرارداد با موازین فقهی و شرعی است. (صفایی و شمالی، ۱۳۹۸، ص ۴۶). به نظر می‌رسد که بتوان در بطلان برخی از شروط غیر منصفانه در فقه از بسترهایی همچون اختلال نظام، اکل مال به باطل، غیر مقدور بودن شرط، غرر، استغلال و تحریم ربا بهره برد که مهم‌ترین این بسترها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۳-۲-۲ غرر

غرری بودن بیع گزاف بدین شرح در کتاب مکاسب مورد اشاره واقع شده است: " و بالجمله فالغرر لایتنفی بمسامحه الناس فی غیر زمان الحاجه الی المدافه، و الا لم یکن بیع الجزاف، و ماتعذر التسلیمه، و الثمن المحتمل للتفاوت القلیل و غیر ذالک من الجهالات غررا لتسامح الناس فی غیر مقام الحاجه الی المدافه فی اکثر المجالات" (الانصاری، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

۲-۳-۲ قاعده استغلال

استغلال در لغت به معنای سوء اسفاده، بهره برداری، استثمار و سودجویی ناعادلانه است. (سیاح، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴) در بیان اصطلاحی آن فقها معتقدند زمانی که در قراردادی غبن وجود داشته باشد به استناد بهره برداری بیشتر یک طرف، استغلال محقق می‌شود. (قنواتی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱). بیشتر فقها معتقدند منع استغلال مبتنی بر قاعده لاضرر است. بر اساس قاعده لاضرر باید بین طرفین قرارداد، تعادل وجود داشته باشد و از رهگذر قرارداد زبانی به هیچ یک از طرفین وارد نشود. به زعم مالکی‌ها و حنفی‌ها صرف تحقق عدم تعادل و لو این که فاحش نباشد حق فسخ را به استناد استغلال برای شخص ناآگاه به وجود می‌آورد. (ابن قدامه، ص ۳۷)

۲-۳-۳ منع ربا

یکی از دلایل حرمت ربا برهم زدن نظم اقتصادی است. لیکن به اعتقاد برخی، دلیل اصلی حرمت ربا ستمی است که در مناسبات مالی و اقتصادی مردم می‌رود. گرفتن افزون بر اصل مال از نظر شارع ظلم و ستم است و همین ستم اگر علت حرمت ربا نباشد حداقل حکمت تحریم ریاست. (خمینی، ۱۴۰۸ ه. ق، ص ۴۵۱). صرف نظر از پاره‌ای اختلاف نظرهای موجود، شکی نیست که مبنای حرمت مقرر در معاملات معاوضه‌ای بر پایه حفظ تعادل و برابری است. از حرمت ربا برمی‌آید که شارع برای قراردادی که ابزار اجحاف قرار گرفته تقدسی قائل نیست و حتی اگر طرف قرارداد به دلیل اضطراب چنین ظلمی را در حق خود پذیرفته باشد، تراضی نمی‌تواند مباح کننده ظلم باشد.

۲: شروط ناعادلانه و اعتبار آن‌ها در نظام حقوقی انگلیس

نخستین بار در قرن هفده میلادی ظریه غیرمنصفانه بودن مورد توجه دادگاه‌های انگلستان قرار گرفت. حتی برخی معتقدند خاستگاه اصلی آن به قرن پانزدهم میلادی می‌رسد. (Teeven, 1990, p. 314) با بررسی سابقه‌ی تاریخی و نحوه‌ی برخورد محاکم و قانون‌گذار انگلستان نسبت به شروط ناعادلانه روشن است که چه در دورانی که قاعده‌ای مدون نسبت به این شروط وجود

نداشته و چه پس از شناسایی مستقل این شق از شروط، همواره مواضع متغیری نسبت به این شروط اتخاذ شده است که به منظور بررسی این مواضع ابتدا رویه‌ی قضایی و سپس رویکرد تقنینی این نظام حقوقی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

۱-۲ رویه‌ی قضایی

از جمله قراردادهایی که دادگاه‌های انگلیس به استناد شروط غیر منصفانه و خلاف وجدان در آن‌ها دخالت نموده‌اند قراردادهایی بوده که ورثه‌ی احتمالی، ارث آینده‌ی خود را در ازای مبلغی اندک که به صورت نقد دریافت می‌کردند، واگذار می‌نمودند.

در پرونده‌ی ارل آردگلاس علیه ماس چامپ، دادگاه مقرر نموده که دادگاه انصاف نباید در قراردادهای دخالت کرده و قراردادی را که به صورت اختیاری منعقد شده است جهت انجام مذاکرات مجدد بازگشایی نماید، مگر در صورتی که قرارداد با وارث آینده‌ای که در وضعیت نامطلوب منعقد شده باشد که در این صورت دادگاه می‌تواند برای حمایت از این وارث در قرارداد منعقد دخالت نماید. استدلال دادگاه این بود که ارل جوان در وضعیت کاملاً وحشتناک و آشفته زندگی می‌کرده

و قادر به درک ماهیت قرارداد نبوده است. (Ardglasse v. Muschampt, (1684, p. 605) دو قرن بعد مجدداً دادگاه انگلستان یک قرارداد خرید را که قیمت آن خیلی پایین‌تر از قیمت واقعی بود کنار گذاشت و به استناد این که فروشندگان دو مرد فقیر و بی‌سواد هستند که قبل از انعقاد قرارداد هیچ مذاکره یا مشاوره‌ای حقوقی در این خصوص دریافت نکرده‌اند به اجرای آن رأی نداد.

دادگاه متذکر شده که دادگاه انصاف باید تفحص کند که آیا طرفین قرارداد واقعا در فعالیت برابری بوده‌اند یا نه و اگر مشخص شده باشد فروشنده در شرایط و اوضاع و احوال وخیمی بوده و طرف دیگر از شرایط وخیم وی سوءاستفاده کرده است، ضرورت دارد قرارداد کنار گذاشته شود (Frely v. lane, 1888, p. 9). توجه و مذاقه در نمونه‌هایی از این دست نشان می‌دهد که گاه محاکم به استناد این که شرط مورد تراضی آن به خلاف انصاف و عدالت بوده کل قرارداد را کنار می‌گذاشتند و گاه تنها شروط مذکور را بی‌اعتبار دانسته‌اند.

در قانون UCTA به موجب ماده ۲ و بند ۱ از ماده ۴ آن قضات این اختیار را پیدا کرده‌اند که با ارزیابی معیار معقولیت که در واقع در این ماده به عنوان مبنای تشخیص عادلانه یا ناعادلانه بودن شرط تحدید مسؤلیت خسارات مالی است نقش فعال خود را ایفا کنند. (Nebbia, (2008,

در مواردی نیز اگر دادگاه تشخیص دهد که قراردادی با رعایت شروط مقرر قانونی گراف و غیرعادلانه است می‌تواند به تعدیل قرارداد دستور دهد. (شیروی، ۱۳۸۱، ص ۱۳) اما باز هم این رویه عمومیت لازم را پیدا ننموده و محاکم در مواردی که قانون موضوعه در خصوص این دسته از شروط وجود داشته باشد، بر اساس آن رأی خواهند داد. ولی درباره‌ی سایر موارد، دادگاه‌ها در خصوص دخالت در قراردادهای خصوصی، محتاطانه عمل می‌کنند. (Treitle, 1995)

۲-۲ قوانین

با مطالعه در سیر قانون گذاری در شروط ناعادلانه در انگلستان قانون راه‌آهن و کانال‌های انگلستان ۱۸۵۴ را می‌توان به عنوان اولین و قدیمی ترین قانون که به صورت مدون در خصوص شروط تراضی شده بر خلاف عدالت و انصاف حکمی وضع نموده، معرفی نمود. که در آن قانون گذار ضمن نهی طرفین قرارداد، حمل و نقل ریلی یا جاده‌ای از نقض مقررات این قانون، از ادامه‌ی فعالیت شرکت‌هایی که به خلاف جریان آن عمل می‌کنند، به صورت موقت و یا دائمی و به موجب حکم دادگاه ممانعت به عمل می‌آورد. (Canals and Railway, 1854)

مورد دیگر قانون قرض‌دهندگان سال ۱۹۰۰ میلادی است که بعدها در سال ۱۹۲۷ میلادی مورد اصلاح قرار گرفت و در ادامه آخرین اراده‌ی قانون گذار آن کشور در قانون اعطای وام به مصرف‌کنندگان ۱۹۷۴ شده است.

آن چه در این قانون با بحث شرط غیر منصفانه در ارتباط است مقررات مواد ۱۳۷ تا ۱۴۰ آن است که به دادگاه‌ها این اختیار داده شده است تا در صورتی که ضرورت را به موجب مقررات این قانون احراز نموده باشند، در قراردادهای قرض و اعطای وام دخالت کرده و مفاد آن را تعدیل نمایند. دادگاه در تشخیص گراف بودن نه تنها به عوامل خارجی و عینی مثل نرخ بهره‌ی رایج در زمان انعقاد قرارداد بلکه عوامل مشخص مانند سن، تجربه و تخصص و توان تجاری بدهکار را مورد توجه قرار می‌دهد، به عنوان مثال قرارداد وامی با بهره‌ی ۴۸٪ گراف تشخیص داده نشده زیرا طلبکار تضمین اخذ نکرده بود. (شیروی، ۱۳۸۰، ۸)

اولین تلاش عمومی قانون گذار انگلیس جهت کنترل شروط قراردادی ناعادلانه (تحمیلی) قانون شروط ناعادلانه قراردادی ۱۹۷۷ است. عنوان گمراه کننده‌ی این قانون در نگاه اول درصد برخورد با کلیه‌ی شروط قراردادی ناعادلانه است. در حالی که عمدتاً درصد حمایت از مصرف‌کننده در مقابل شروط سلب و محدود کننده‌ی مسئولیت در کلیه‌ی قراردادهایی است که در هنگام تجارت یا کسب و کار با مصرف‌کننده منعقد می‌شوند.

مطابق با مقررات این قانون محدود کردن مسئولیت نسبت به فوت یا خسارت بدنی ناشی از تقصیر و بی احتیاطی یا در ضمانت مربوط در مقابل خسارات وارده به مصرف کننده یا اموال وی ناشی از عیوب کالا و نیز خسارات ناشی از تخلفات قراردادی ممنوع است. (section 6(1) 5, (3(2) of the unfair terms Act 1977

همچنین شروطی که بر اساس آن متعهد بتواند کل تعهدات قراردادی یا بخشی از آن را انجام ندهد یا این که تعهد خود را به شیوه‌ای کاملاً متفاوت با آنچه معمولاً مورد انتظار طرف است انجام دهد لازم‌الاجرا نمی‌باشد. (Section 3(2) bii, bi of the unfair contract terms Act 1977) سلب یا محدود کردن مسئولیت در مقابل نقض تعهدات مربوط به مطابقت کالا با مشخصات ارائه شده و کارایی نسبت به مقاصد مورد نظر در قراردادهای فروش کالا، اجاره به شرط تملیک و سایر قراردادهای عرضه‌ی کالا نیز لازم‌الاجرا نمی‌باشد. (section, 6(3) and 7(3) of them) (fair contract terms Act 1977)

طبق مقررات این قانون موارد مطروحه‌ی فوق بایستی متعارف و معقول باشد در غیر این صورت لازم‌الاجرا نخواهد بود. قانون مزبور جهت تشخیص متعارف بودن شرط دادگاه را به معیارها و ضوابطی سوق می‌دهد که این معیارها عبارتند از:

موقعیت و وضعیت معاملی و قدرت چانه زنی طرفین نسبت به یکدیگر، این که آیا مصرف کننده برای انعقاد قرارداد با چنین شروطی انگیزه‌ی خاص داشته و آیا این امکان برای وی فراهم بوده است که قرارداد را بدون آن شرط منعقد نماید؟ آیا مصرف کننده به وجود و مفاد آن شرط آگاه بوده است؟ آیا کالا به سفارش خاص مصرف کننده و برای رفع نیازهای وی ساخته و پرداخته و تهیه شده است؟

تلاش دیگر قانون گذار انگلیس در ارتباط با شروط ناعادلانه تصویب مقررات شروط ناعادلانه در قراردادهای مصرف کننده‌ی ۱۹۹۴ است. این قانون مطابق دستورالعمل شماره‌ی ۹۳/۱۳ EEC جامعه اروپایی جهت مطابقت بیشتر به تصویب رسید.

ماده‌ی ۱۰ این دستورالعمل دول عضو را مکلف به اصلاح حقوق داخلی منطبق با دستورالعمل نمود. این قانون در سال ۱۹۹۹ مورد تجدید نظر و بازنگری قرار گرفت و با عنوان شروط غیر منصفانه در قراردادهای مصرف کننده‌ی ۱۹۹۹ به تصویب رسید. در این قانون شناسایی شروط ناعادلانه منوط به تحقق سه شرط است: ۱- شرط مزبور به صورت مستقل مورد مذاکره و توافق قرار نگرفته باشد ۲- آن شرط در تغایر با الزامات اصل حسن نیت بوده ۳- سبب ایجاد عدم تعادل آشکار بین حقوق و تعهدات یک مصرف کننده گردد. (Bright, 2000, p. 343)

این قانون بار دیگر در سال ۲۰۰۱ مورد بازنگری واقع شد و از ابتدای می سال ۲۰۰۱ تحت عنوان مقررات شروط ناعادلانه مقرر نمود که قراردادهای مصرف کننده با اشخاص حقیقی و یا حقوقی فروشنده یا عرضه کننده شامل قراردادهای تجاری نمی شود ولو که طرف این قرارداد کسبه‌ی جزء یا شرکت‌های کوچک باشد.

همچنین این قانون بیشتر ناظر به شروطی است که در قراردادهای استاندارد وجود دارد که بین طرفین مورد مذاکره قرار نگرفته باشد. بنابراین چنانچه قرارداد و شروط آن از قبل تنظیم شده و مصرف کننده در تغییر و تعدیل آن نقش نداشته باشد چنین فرض می شود که این شروط به طور خاص مورد مذاکره قرار نگرفته و مشمول مقررات این قانون خواهد بود. (کرمانی، ۱۳۸۶، ۳۴)

لازم به ذکر است که قانون ۱۹۹۹ و قانون ۱۹۷۷ هر دو قدرت اجرایی دارند و در کنار هم و در عرض یکدیگر اعمال می شوند. به طوری که ممکن است یک شرط به موجب مقررات ۱۹۹۹ (۲۰۰۱) صحیح باشد و به موجب قانون ۱۹۷۷ باطل و بالعکس.

با وجود این قلمرو مقررات سال ۱۹۹۹ با قلمرو قانون سال ۱۹۷۷ تفاوت دارد به طوری که اغلب تنها یکی از آنها اعمال می شود. در برخی موارد مقررات ۱۹۹۹ از نظر قلمرو از قانون سال ۱۹۷۷ مضیق تر است.

اول آن که مقررات ۱۹۹۹ تنها در مورد شروط قراردادی اعمال می شود. در حالی که مقررات قانون ۱۹۷۷ نسبت به آگهی‌ها و اختاریه‌های متضمن سلب یا محدودیت نیز اعمال می شود. دوم این که مقررات ۱۹۹۹ تنها در مورد شروط قراردادی که به طور مجزا مورد مذاکره قرار نگرفته است اعمال می شود. اما علاوه بر اعمال قانون سال ۱۹۷۷ در مورد قراردادهای استاندارد این قانون در قراردادهایی که شخصا ارائه شده است اعمال می شود و در حالی که برخی مقررات قانون ۱۹۷۷ جایی که افعال هر دو طرف یا هیچ یک از طرفین در جریان یک تجارت نیز صورت نگیرد اعمال می شود.

سوم: مقررات سال ۱۹۹۹ تنها در مقابل یک شخص طرف قرارداد که در جریان تجارت کالاها یا خدمات را عرضه کرده اعمال می شود اما قانون ۱۹۷۷ در تلاش برای چنین محدودیتی نیست. در دستورالعمل شماره 93/13/EEC جامعه اروپا، درباره‌ی شروط غیر منصفانه در قراردادهای مصرف نیز می توان به نمونه‌ای دیگر از برخورد قانونی در خصوص شروط ناعادلانه دست یافت. این دستورالعمل در صدد ایجاد وحدت رویه بین دول عضو جامعه اروپایی در ارزیابی و اعتبار بخشی به شروط ناعادلانه بوده است. این دستورالعمل ضمن تعاریف دقیقی از شروط ناعادلانه، مصرف کننده، فروشنده یا تولید کننده (بند الف، ب و ج) اعلام می دارد: برخلاف قانون شروط

ناعادلانه و غیر منصفانه‌ی قراردادی ۱۹۷۷ انگلیس که منحصر است به شروط محدودکننده‌ی مسئولیت، این دستورالعمل کلیه‌ی شروط ناعادلانه و غیرمنصفانه را در برمی‌گیرد. از طرف دیگر دیگر این دستورالعمل مختصر قراردادهایی است که با مصرف‌کنندگان منعقد می‌شود و هرگز شامل قراردادهای تجاری نخواهد بود. حتی آن دسته از قراردادهایی که طرف ضعیف قرارداد تجار و کسبه‌ی جزء باشد. (Hondius, 1993, p. 5)

در ماده ۶ این دستورالعمل دول عضو مکلف شده‌اند که مقرر نمایند شروط ناعادلانه‌ای که یک قرارداد بین مصرف‌کننده و فروشنده یا تولیدکننده منعقد می‌کند، مصرف‌کننده را ملتزم نمی‌کند. در صورتی که قرارداد طرفین را متعهد و ملتزم می‌سازد که بقای عقد بدون وجود شروط ناعادلانه، امکان‌پذیر باشد.

در غیر این صورت طرفین ملتزم به باقی تعهدات قراردادی نیز نخواهند بود. تأکید این دستورالعمل بر ضرورت عدم درج شروط ناعادلانه در قراردادهای مصرف‌کننده تا جایی است که هم در دیباچه و هم در ماده‌ی ۵ آن تأکید دارد، در مواردی که الفاظ و عبارت به کارگرفته شده در قرارداد ضرورت تفسیر آن را اقتضاء نماید، تفسیری که مطلوب به حال خریدار است پذیرفتنی است.

مطابق قسمت ذیل ماده‌ی ۵ این دستورالعمل نیز شروط ارائه شده به خریدار می‌بایست به زبان ساده باشد و اگر مستلزم تفسیر بود، تفسیری که مناسب به حال خریدار است نافذ است. در ماده ۱۱ این دستورالعمل تصریح شده که مقررات آن فقط راجع به کشورهای عضو می‌باشد و امکان افزایش حمایت از مصرف‌کننده به موجب قوانین و یا معاهده‌هایی متعاقب این دستورالعمل نیز به دول عضو و مطابق ماده‌ی ۸ این قانون اعطاء شده است.

آخرین مورد از مصادیق قانونی شروط ناعادلانه در نظام حقوقی انگلیس، قانون حمایت از مصرف‌کننده در مقابل مقررات تجاری ناعادلانه (the consumer protection from unfair trading regulations, 2008) است که هدف از آن ایجاد حمایت گسترده‌ای از مصرف‌کننده به ویژه در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی است که به سبب ویژگی خاص یا انحصاری اش امکان تغییر در تصمیم‌گیری وی را افزایش می‌دهد. براساس این قانون چنانچه شرطی بر مبنای ضوابط اعلامی این کشور و بنا به عرف جاری و پذیرفته شده‌ی طرفین معامله به ویژه مشتری ناعادلانه و تحمیلی تعبیر شده نسبت به مشتری مؤثر نبوده و اثر تحمیلی و الزام‌آوری بر وی نخواهد داشت.

این حمایت مقنن تا جایی است که خود مشتری علی‌رغم اطلاع از مفاد شرط، مقررات حاکم و ناعادلانه بودن توافق معهود آن را پذیرفته باشد که در این صورت به موجب مقررات حاکم شرط مزبور نسبت به طرفین و حتی مشتری لازم‌الاتباع خواهد بود.

نتیجه‌گیری

برخلاف آن چه در بادی امر از بکر بودن مواضع قانونی ایران در قبال شروط ناعادلانه تصور می‌شده است می‌توان به مصادیقی اگر چه محدود و خاص، از شناسایی شروط ناعادلانه و تقبل با آن توسط مقنن اشاره داشت؛ موضوعی که بنا به تفسیر اراده‌ی قانون‌گذار به قدر متقین، دلالت بر پذیرش ضرورت بررسی مصادیقی از تعهدات دارد که به صورت ناعادلانه‌ای بر اشخاص تحمیل می‌شود. در نظام حقوقی ما صراحتاً شروط ناعادلانه مورد شناسایی قرار نگرفته اما با استقراء در قوانین ایران نمونه‌هایی از عقود یا شروط ضمن عقود را خواهیم یافت که از مفاهیم عدالت و توازن در حقوق و تکالیف طرفین معامله به دور است، برخی از این شروط توسط قانون‌گذار معتبر شناخته شده و گروهی نیز نامعتبر هستند. با مذاقه در مقررات قانونی شروط ناعادلانه‌ی قراردادی در حقوق انگلستان ملاحظه می‌شود که نگاه قانون‌گذار هم ناظر بر شروط ناعادلانه در قراردادهای مصرف بوده و هم شروط ناعادلانه در بعضی قراردادهای تجاری را مورد کنترل قرار می‌دهد. شاید بتوان اولین قانونی را که به بررسی این نوع از شروط پرداخته و بر آن ضمانت اجرای حقوقی بطلان وضع نموده است، قانون راه آهن و کانال‌ها مصوب ۱۸۵۴ دانست که از نظر زمانی مقدم بر سایر قوانین انگلستان، شروطی را که بر هم‌زنده‌ی تعادل و توازن معاملاتی است (در قالب شروط استثنا کننده‌ی مسؤلیت)، شناسایی کرده است.

پس از آن و به ویژه در قرن بیستم، قانون‌گذار این کشور با نگاهی جامع‌تر به موضوع پرداخته است. در خصوص مقابله با شروط ناعادلانه در حقوق انگلیس، علاوه بر مقررات صریح و جامع، از سال ۱۹۶۲ کمیته‌ای تحت عنوان کمیته‌ی حمایت از حقوق مصرف‌کننده به کنترل شروط ناعادلانه می‌پردازد. در حالی که مصرف‌کننده‌ی ایرانی فقط در چارچوب قوانین خاص و با اثبات ناعادلانه بودن شروط، می‌تواند بطلان شروط را آن هم فقط از محاکم خواستار شود.

شناسایی دقیق‌تر و صریح‌تر مصادیق شروط ناعادلانه و اعمال ضمانت اجرای متناسب قانونی ضمن اعطای اختیار به دادگاه‌ها جهت تعدیل این شروط ضرورتی انکارناپذیر است. ایجاد کمیته‌ی ایی شبیه به آن چه که در انگلستان برای مقابله با شروط ناعادلانه راه‌اندازی شده می‌تواند ضمن

کاهش حجم دعاوی مطروحه در دادگستری زمینه تسهیل و تسریع احقاق حقوق مردم را در قبال این گونه شروط فراهم آورد.

منابع

- ۱- الانصاری، مرتضی، "المکاسب"، جلد دوم، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۲- ابن قدامه، حسن، "المغنی"، هجر الطاعبه النشر، قاهره.
- ۳- تقی زاده، ابراهیم، احمدی، افشین، "شروط غیر منصفانه در حقوق ایران با نگاهی بر ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی"، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۳، شماره ۱۰، ۱۳۹۴.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، "دایرةالمعارف عمومی حقوق"، جلد دوم، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- ۵- حاتمی، علی اصغر و صادقی، عبدالرضا، "شرط وجه التزام غیر عادلانه" دو فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، دوره اول، شماره ۲، سال ۱۳۹۱.
- ۶- خمینی، روح اله، "کتاب البیع"، جلد دوم، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۸ ه. ق.
- ۷- ساردویی نسب، محمد، کاظم پور، سید جعفر، "مؤلفه‌های غیر منصفانه بودن قرارداد"، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۵، ۱۳۹۰.
- ۸- سهرابی، حمید و عربیان، اصغر و الماسی، نجاد علی، "بررسی تعدیل وجه التزام در فقه و حقوق موضوعه"، مجله حقوق پزشکی ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰.
- ۹- سیاح، احمد، "فرهنگ دانشگاهی عربی فارسی؛ ترجمه المنجد الابدی" نشر فرهان، چاپ ششم، ۱۳۸۱.
- ۱۰- شیروی، عبدالحسین، "نظریه‌ی غیر منصفانه و خلاف وجدان بودن شروط قراردادی در حقوق کامن لا"، مجله‌ی مجتمع آموزش عالی قم، شماره‌ی ۱۴، سال ۱۳۸۰.
- ۱۱- صفایی، سیدحسین، شمالی، نگار، "مطالعه تطبیقی ضمانت اجرای غیر منصفانگی شروط قراردادی در ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا"، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۶، ۱۳۹۸.
- ۱۲- عادل، مرتضی، شمس الهی، محسن، "شروط غیر منصفانه در قراردادهای مصرف کننده"، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۹۷.
- ۱۳- قنوتی، جلیل، "اصل آزادی قراردادی قراردادهای غیر عادلانه"، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهارم، ۱۳۸۹.
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر، "قواعد عمومی قراردادها"، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، سال ۱۳۸۷.
- ۱۵- کرمانی، حجت، "بررسی شروط ناعادلانه در قراردادهای مصرف کننده در حقوق ایران و انگلیس"، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، سال ۱۳۸۶.

۱۶- کرمی، سکینه، "نظم عمومی؛ ابزاری برای کنترل شروط قضایی ناعادلانه"، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۹، شماره ۹۱، ۱۳۹۴.

۱۷- نبی زاده کبریا، قاسم، " شیوه‌های کنترل ماهوی شروط ناعادلانه در حقوق ایران و انگلستان"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال چهاردهم، شماره ۳، ۱۳۹۶.

- 1- Bright, Susan, " Winning the Battle against unfair contract terms", UK, legal studies, Vol20, No 3, 2000.
- 2- Canals and Railway act (1854).
- 3- Earl of Ardglass v. Muschamp, "report s of cases argued and determined in the high court of chancery; in the time of lord Chacellor Hardwiche", oxford university, john 1684. tracy Aatkyns, 2th edition, London.
- 4- Frely v. lane, 1888, 40 chanceries Div; Denton, David H, "unconscionability principle in brief", available at: <http:// davidhdeton.Weebly. Com/papers.html>, 2014, p.9
- 5- Hondius, Ewoud, "Ec directive on unfair terms in consumer contracts; towards a European law of contract", vol7, journal of contract law, 1993
- 6- Nebbia, Paolisa, "Unfair contract term in European law", Hart publishing, London, 2008.
- 7- section 6(1) 5, 3(2) of the unfair terms Act 1977
- 8- Section3(2)bii,bi of the unfair contract terms Act1977
- 9- section,6(3) and 7(3) of them fair contract terms Act1977
- 10- Teeven, Kevin M," A History of the Anglo American Common law of contract , Green wood Publishing Group, 1 st edition, 1990
- 11- Treitel, G. h, " Treitle the law of contract", sweet and Maxwell, 1995.